

۱۸۳۲۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

اروپا از انقلاب فرانسه تا اتحاد آلمان

(۱۷۸۹ - ۱۸۷۱)

دکتر فرج الله احمدی

(عضو هیات علمی دانشگاه تهران)



سرشناسه	: احمدی، فرج الله، ۱۳۳۷-
عنوان و نام پدیدآور	: اروپا، از انقلاب فرانسه تا اتحاد آلمان / تألیف فرج الله احمدی.
مشخصات نشر	: تهران: دانش نگار، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	: ۱۸۰ ص: مصور
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۲۷-۷۸-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: واژه نامه.
موضوع	: تاریخ اروپا
رده بندی کتبه	: ۱۳۹۱ الف ۶۲/۷ SF۲۰
رده بندی دیویی	: ۶۳۶/۲۱۳
شماره کتاب شناسی ملی	: ۲۰۰۱۶۹

فرهینخته گرامی:

کپی کردن و یا تهیه فایل های الکترونیک از کتاب، و یا نسخت از کتاب تضییع آشکار حقوق مادی و معنوی ناشر و مولف است و انگیزه تألیف، ترجمه و نشر، ب های جدید را در کشور از بین می برد. خواهشمند است در زمان خرید کتاب، از اصل بودن آن اطمینان حاصل نمایید.



اروپا، از انقلاب فرانسه تا اتحاد آلمان

تألیف: فرج الله احمدی
نوبت چاپ: اول
سال چاپ: ۱۳۹۱
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۶۵۰۰ تومان
چاپ و صحافی: فرنگارنگ
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۲۷-۷۸-۴

تهران، انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، نیش وحید نظری، شماره ۱۴۲ - تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴

این اثر مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۷
------------	---

فصل اول: نگاهی به اوضاع اروپا در قرن هیجدهم / ۱۱

اقتصاد و اجتماع.....	۱۱
حکومت‌های اروپائی.....	۱۴
شرق اروپا.....	۱۷
اوضاع در غرب اروپا.....	۱۸
عصر روشنگری.....	۲۱

فصل دوم: انقلاب فرانسه ۱۷۹۹ - ۱۷۸۹ / ۲۱

علل انقلاب.....	۲۵
بحران مالی فرانسه در دهه ۱۷۸۰.....	۲۸
از مجلس طبقات عمومی تا مجلس ملی.....	۲۹
تسخیر باستیل.....	۳۱
اقدامات مجلس ملی.....	۳۴
احزاب و مجلس مقنن.....	۳۹
واکنش اروپا نسبت به انقلاب فرانسه.....	۴۱
انقلاب در جنگ.....	۴۳
کنواسیون ملی.....	۴۶
پایان سلطنت و محاکمه شاه.....	۴۷

۵۱.....	جمهوری اول، جنگ و حکومت ترور
۵۵.....	عکس العمل ترمیدور
.....	دایرکتور

فصل سوم: از ظهور ناپلئون تا ۱۸۱۵ / ۶۱

۶۱.....	زمینه‌های برآمدن ناپلئون
۶۵.....	سیاست داخلی ناپلئون
۶۶.....	سلطنت نابارن و آغاز دوباره جنگ
۶۹.....	سیستم قاره‌ای
۷۲.....	درگیری ناپلئون با اتریش
۷۳.....	سازمان امپراتوری ناپلئون
۷۵.....	شورش در امپراتوری ناپلئون
۷۸.....	جنگ در روسیه
۷۹.....	اتحاد روسیه و پروس و شکست ناپلئون
۸۲.....	کنگره وین و نتایج آن
۸۶.....	مترنخ و اروپای شرقی

فصل چهارم: اروپا از کنگره وین تا انقلابات ۱۸۴۸ / ۸۹

۸۹.....	فرانسه و بازگشت بوربونها
۹۰.....	روسیه
۹۲.....	اسپانیا و ایتالیا
۹۲.....	واکنشها در برابر نظام کنگره وین
۹۷.....	اروپای مرکزی
۹۹.....	انقلابات ۱۸۴۸-۱۸۳۰
۹۹.....	فرانسه
۹۹.....	سلطنت لوئی فیلیپ
۱۰۱.....	انقلاب در بلژیک، لهستان، ایتالیا و پروس
۱۰۵.....	انگلستان
۱۱۱.....	انقلابات سال ۱۸۴۸

انقلابات ۱۸۴۸ در اروپای مرکزی	۱۱۳
لوئی ناپلئون	۱۱۶

فصل پنجم :: صنعتی شدن اروپا / ۱۱۹

انقلاب صنعتی در انگستان	۱۲۰
صنایع نساجی، نیروی بخار، زغال سنگ و آهن	۱۲۱
ارتباطات و توسعه صنعتی	۱۲۶
نتایج انقلاب صنعتی	۱۳۱
صنعتی شدن و ریسالسم	۱۳۲

فصل ششم : اروپا از انقلابات ۱۸۴۸ تا اتحاد آلمان / ۱۳۹

لوئی فیلیپ و امپراتوری دوم فرانسه	۱۳۹
ناپئون سوم و جنگ ۱۸۷۱	۱۴۲
کمون پاریس	۱۴۵
امپراتوری اتریش	۱۴۶
روسیه	۱۴۸
آزادی سرفه‌ها و سایر اصلاحات	۱۵۰
انگستان	۱۵۲
اتحاد ایتالیا	۱۵۷
اقدامات کائور	۱۶۰
نقش گایالدی در اتحاد ایتالیا	۱۶۲
اتحاد آلمان	۱۶۶
بیسمارک و وحدت آلمان	۱۶۷
جنگ با دانمارک و اتریش	۱۷۰
جنگ آلمان و فرانسه و اتحاد آلمان	۱۷۲
منابع	۱۷۷

مقدمه

با وقوع انقلابهای فرانسه و صنعتی در نیمه دوم قرن هجدهم تا شکل‌گیری امپراتوری آلمان، اروپا شاهد تحولات چشمگیری در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بود. برخلاف قرن هجده که جنگهای متعددی میان کشورهای اروپایی اتفاق افتاد، پس از جنگهای ناپلئونی، در قرن نوزدهم، جنگ بزرگی که روند عمومی تحولات بزرگ جامعه اروپایی را متوقف کند رخ نداد. در سراسر قرن نوزدهم، انقلاب فرانسه بخشی از سنت سیاسی در اروپا شد و سرمایه‌داری صنعتی و رقابتهای بین‌المللی توسعه یافت در این قرن، فرهنگ و سیاست جامعه اروپایی در پرتو انقلاب فرانسه قرار گرفت و انقلاب صنعتی، اقتصاد و ساختار اجتماعی متحول کرد.

در سراسر قرن نوزدهم تا انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷، انقلاب‌هایی که نظامهای مشروطه سلطنتی، جمهوری و یا گرایشهای سوسیالیستی در آن سابقه داشت، الگوهای انقلابات شد. انقلاب، جامعه فرانسوی و به نسبتی کمتر، سایر کشورهای اروپایی را دستخوش دگرگونی ساخت. امتیازات رژیم قدیم از بین رفت و هرگز قابل برگشت نبود. انقلاب، به طور اساسی نظام توزیع ثروت را تغییر نداد، اما برابری حقوقی را به تدریج در فرانسه و اروپا معمول گردانید. آزاد شدن اقتصاد از کنترل سلطنت، استانداردسازی اوزان و مقیاسها و یکسان‌سازی حقوق مدنی، راه را برای توسعه انقلاب صنعتی هموار کرد.

انقلاب در نشر این اندیشه که ملت، رعیت پادشاه نیست، بلکه جامعه‌ای مرکب از شهروندان برابرند موثر بود. بیشتر کشورهای اروپایی، دموکراسی پارلمانی را متأثر از انقلاب فرانسه پذیرفتند. فتوحات ناپلئون زمینه را برای پذیرش و اجرای قانون اساسی فرانسه در اکثر کشورهای اروپایی مهیا کرد. قدرت کلیسای کاتولیک روم، انجمن‌ها، و اشرافیت ملاک تحت نفوذ دیکتاتوری

ناپلئون قرار گرفت. حکومت‌های قدیم در بلژیک، غرب آلمان و شمال ایتالیا بر افتاد. ناپلئون، بورژوازی فرانسه را در عرصه رقابت‌های تجاری و بین‌المللی نمایندگی می‌کرد و جنگها و فتوحات وی، پاسخی بود به مطالبات این طبقه نوظهور که اکنون قدرت سیاسی را پس از سرنگونی سلطنت و اشراف در دست گرفته بود.

گسترش فتوحات ناپلئون، موجب تغییر موقت نقشه سیاسی اروپا شد. پادشاهی‌های متحده ناپلئون در سرزمین‌های آلمان و ایتالیا گسترده بود. این تحولات و نیز ناخشنودی از سلطه ناپلئون، رشد احساسات ناسیونالیستی را در این نواحی و نیز در اسپانیا و لهستان به دنبال آورد. روسیه و پروس کمتر با اندیشه‌های جدید تماس یافتند، با این حال، برای مقاومت در برابر ماشین جنگی ناپلئون در جهت تحکیم قدرت دولتی، دست به اصلاحات سیاسی زدند. بریتانیا از انقلاب فرانسه کمتر متاثر شد، و سیاست‌های مستعمراتی را در آمریکا، آسیا، و آفریقا توسعه داد. آن کشور که همواره در مقابل فرانسه بود، با ناوگان دریایی بی‌مندر افتاد صنعتی رو به رشد در سقوط ناپلئون تأثیر گذار شد. کنگره وین، اروپا را به مرزهای سال ۱۷۹۲ بازگرداند و بسیاری از اصول گذشته را زنده کرد، اما جنبش‌های اجتماعی و سیاسی متوقف نشد. در طی سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۸۴۸ انقلاباتی که دنباله انقلاب فرانسه بود، جامعه اروپایی را با تحولات ساختاری و سیاسی راجعه ساخت.

در سالهای ۱۸۷۱ - ۱۸۳۰ اروپا شاهد رشد اندیشه‌های ناسیونالیستی برگرفته از انقلاب فرانسه بود. در چنین شرایطی بود که اتحاد ایتالیا به رهبری پادشاهی ساردنی - پیدمونت در سال ۱۸۶۱ و آلمان به رهبری پروس در سال ۱۸۷۱ تحقق یافت. رخدادهایی که نظام توازن قوا را در اروپای بعد از کنگره وین در دهه‌های بعد به چالش کشید. امپراتوریهای عثمانی و اتریش - مجارستان، با قومیت‌های تابعه متعدد، بیشترین ضربه را از قوم‌گرایی و احساسات ناسیونالیستی متحمل شدند. برخورد اروپاییان با عثمانی عدم ثبات و دوگانگی بازرزی را نشان می‌داد. از یک سو جهت‌گیری‌هایی مبنی بر محکوم نمودن اشراف ترک بود، به ویژه زمانی که آنها از مسیحیان تحت قلمرو عثمانی نگران بودند. از سوی دیگر امپراطوری عثمانی می‌توانست ثابت کند که یک مانع جدی در مقابل توسعه‌طلبی روسیه در شبه جزیره بالکان و به سوی داردافل است. اتریش، فرانسه، و بریتانیا همه در یک زمان و با یکدیگر در هنگام تهدید به یاری امپراطوری عثمانی می‌شتافتند.

عناصر اساسی انقلاب صنعتی اول، ذغال سنگ، آهن و بخار، چهره بخشی از اروپا را دگرگون کرد، اما در قرن نوزدهم با فرا رسیدن انقلاب صنعتی دوم، فولاد، نفت، برق، تلگراف، مواد شیمیایی؛ و موتورهای احتراقی، تحولات عظیمی را به بار آورد. در این مرحله، پژوهش، اهمیتی بیش از نتایج کار مخترعان مستعد تجربی گذشته یافت و بنیانهای پژوهش‌های گسترده علمی شکل گرفت. تولید سریع کالاهای ارزان در کشورهای صنعتی و بویژه انگلستان، افزایش جمعیت، توسعه

شهرها، رشد تجارت، عملیات نظامی، بسط روابط خارجی، تحرکات جمعیتی، افزایش تخصص‌ها، رشد طبقه متخصص، توسعه شبکه‌های راه آهن، دولتها و جوامع را بیش از پیش نیازمند به دسترسی به اطلاعات کرد. و از دهه ۱۸۷۰ با تشدید رقابتهای امپریالیستی، فنآوری اطلاعات، در ردیف توان نظامی و تولید صنعتی، از اهمیت استراتژیک بسیاری برخوردار، و در عرصه رقابتهای بین‌المللی و نظام توازن قوا تعیین‌کننده شد.

انقلاب صنعتی بر جوامع و زندگی مردم تأثیری عمیق بر جای گذاشت، این در حالی بود که پادشاهان سنتی و اشراف زمیندار متحد آنان، به حکومت در بیشتر کشورهای اروپایی تا پایان قرن نوزدهم ادامه دادند، اما در همه‌جا طبقه نوظهور صنعتی بر توان خود می‌افزود و به دنبال کسب قدرت سیاسی بود. انتقادات ناموفق متعددی در سراسر قرن نوزدهم به وقوع پیوست که مکرر به شکست انجامید. پادشاهان و سربان بدریج مجبور به سازش نه تنها با بورژوازی بلکه با طبقه نوظهور کارگر شدند. طبق کارگر در شهرهای صنعتی توسعه یافت و استثمار این طبقه از سوی صاحبان سرمایه و کارخانه‌ها افزایش یافت. این پدیده موجبات ظهور اندیشه‌ای سوسیالیستی را در نیمه نخست قرن نوزدهم فراهم کرد.

به همان نسبت که صاحبان صنایع برای نیروی محصولات خود در جستجوی بازارهای جدید بودند، تجارت بین‌المللی به سرعت توسعه یافت و به تناسب سرمایه‌داری، تلاش و رقابت فزاینده را برای به دست آوردن مستعمرات به دنبال داشت و رقابتهای شدیدی را میان کشورهای صنعتی پدید آورد. در نتیجه این رقابتهای، در دوره صلح مصلح، تلاش برای ایجاد امپراتوری و کسب مستعمرات، نظامی‌گری و تقویت ارتش‌ها، پیشرفت ادوات جنگی و نظام سربازگیری در دستور کار قدرتهای رقیب قرار گرفت. این در حالی بود که در بین‌تتها، اجتماعی مفهوم انتخاب اصلح داروین را در عرصه روابط بین‌الملل مورد استناد قرار می‌دادند. از نظرگاه آنان، اروپائیان سفید پوست و از نژاد برتر، می‌توانستند مردم غیراروپایی را در جنگ شکست دهند و بر اساس قانون تکامل، برای بقاء از اقوام غیراروپایی شایسته‌تر بودند. از این روی تئوری داروین در باره تکامل انسان و انتخاب اصلح، به رقابتهای امپریالیست‌ها جنبه علمی می‌داد و بخشی از تدارکات ایده نولوژیک رقابت‌های امپریالیستی و روابط سلطه را فراهم کرد. زمینه‌های چنین تحولاتی تا سال ۱۸۷۰ در اروپا فراهم گشته بود.

نوشته حاضر، اگر چه در بردارنده دوره‌ای طولانی است که رخدادهای بسیاری در آن به وقوع پیوسته است، اما نگارنده به کوتاهی تحولات مهم و تأثیرگذار کشورهای بزرگ اروپایی را در فاصله سالهای ۱۷۸۹ تا ۱۸۷۱ مورد بررسی قرار داده است، به امید آنکه پاسخگوی بخشی از نیازهای دانشجویان در واحدهای درسی تاریخ معاصر اروپا باشد.